

معلم باید بینش تاریخی داشته باشد!

گفت‌وگو با دبیرانی از خراسان: احمد ترابی، دکتر عباسعلی قربان‌نژاد، مجید پورشافعی و محمود لالوی

سیدحسین رضوی خراسانی

اشاره

چندی پیش یکی از همکاران خراسان جنوبی مرا در یک گروه تلگرامی عضو کرد! گروهی که اعضای آن، اغلب، از دبیران تاریخ سه استان خراسان‌اند. از کارهای مفید و آموزنده این دوستان، گفت‌وگوهای شبانه تلگرامی درباره موضوعات گوناگون تاریخی و تبادل نظر است. شبی از شب‌ها که گفت‌وگو را دنبال می‌کردم، به نظرم رسید میزگردی با حضور برخی از این عزیزان تشکیل دهیم و درباره آموزش تاریخ به بحث بنشینیم. خوشبختانه دوست عزیزم، **سیدحسین رضوی خراسانی** عازم مشهد مقدس بود و انجام این کار را به‌عهده گرفت. کلیه هماهنگی‌ها نیز به همت **احمد ترابی** که خود یکی از این دبیران است، صورت گرفت که از وی سپاسگزاریم. سردبیر

بخوانند، یعنی با پدیده مبهمی روبه‌رو هستند. اصلاً چرا در دبیرستان باید تاریخ معاصر بخوانند و دوره‌های دیگر را نخوانند؟! مگر اهمیت دوره معاصر چیست؟ اگر به این‌گونه سؤال‌ها از ابتدا پاسخ مناسبی داده شود، جایگاه مطالعه تاریخ مشخص خواهد شد. مسئله دیگر، این است که مدیران هم برای تاریخ ارزش قائل نیستند. اهمیت مطالعه تاریخ اولین چیزی است که باید جا بیفتد. قرار است تاریخ چه چیزی به ما بدهد؟ دانش آموز رشته ریاضی یا تجربی یا علوم انسانی با خواندن تاریخ قرار است چه چیزی به‌دست آورد؟ چرا باید تاریخ معاصر بخواند؟ آیا هدف از خواندن تاریخ معاصر فقط آشنایی با تحولات سیاسی، اجتماعی بعد از انقلاب کبیر فرانسه و بعد از انقلاب صنعتی است؟ یا می‌خواهد بداند چه اتفاقی افتاده که ایران در مسیر کشورهای دیگر قرار نگرفته است؟ یعنی اول باید یک رشته سؤالات مطرح شود و به آن سؤالات پاسخ داده شود. در این صورت می‌توان راه‌حل‌های دیگر را هم پیدا کرد.

رضوی: آقای قربان‌نژاد، لطفاً در مورد شیوه‌های آموزش تاریخ در کلاس درس، از تجربیات خودتان در کلاس‌های درس بگویید.
قربان‌نژاد: من در تدریس تاریخ

را دارد که در هر جا اگر تجربه‌ای وجود دارد که بتواند برای معلمان تاریخ مفید باشد آن را به‌دست بیاورد و تئوریزه کند و در اختیار همه همکاران و دوستان عزیز که با آموزش تاریخ سروکار دارند قرار دهد. با این مقدمه کوتاه بحث را شروع می‌کنیم و از جناب آقای قربان‌نژاد می‌خواهم برای ما بگویند که آموزش تاریخ چه مؤلفه‌هایی دارد و تجربه خودشان در این خصوص چیست؟ یعنی خودشان در هنگام آموزش تاریخ در کلاس درس، بیشتر، از چه مهارت‌هایی استفاده می‌کنند.

قربان‌نژاد: متأسفانه اولین مسئله‌ای که در بحث آموزش تاریخ مطرح است، این است که دانش‌آموزان ما هنوز نمی‌دانند چرا باید تاریخ

رضوی: موضوع بحث «آموزش تاریخ در مدارس ایران» است و سعی داریم در باب آسیب‌شناسی این حوزه گفت‌وگو کنیم و اینکه آموزش تاریخ باید چگونه باشد؛ یعنی شیوه صحیح و درست آموزش تاریخ چیست؟ متأسفانه چگونگی «آموزش تاریخ» یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما چه در مدارس و چه در دانشگاه‌هاست. چون ما در هیچ دانشگاهی در ایران، رشته «آموزش تاریخ» نداریم که دانشجوی بپذیرد و دبیران را در این رشته تربیت کند. آموزش تاریخ که مقوله بسیار پیچیده‌ای است، نه تنها به توانایی‌های علمی نیازمند است، بلکه مهارت‌های خاصی را می‌طلبد.
مجله رشد آموزش تاریخ این رسالت



را در ذهن‌تان دارید؟ چطور این مطالب را حفظ کرده‌اید و بیان می‌کنید؟ گاهی اوقات در برابر اطلاعات شما متحیر می‌شوند. در واقع علتش این است که آن‌ها بد آموزش دیده‌اند و فکر می‌کنند این جریان‌ها از هم جدا هستند. همواره بین پدیده‌های تاریخی تداوم وجود دارد و همیشه هست و در عین حال تحول را نیز در درون خودش دارد. در آموزش تاریخ باید یک زنجیره منطقی را دنبال کرد و این نکته بسیار مهمی است.

جناب ترابی! به اعتقاد شما مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌توانند در آموزش تاریخ و در یادگیری دانش‌آموز تأثیرگذار باشند چیست؟

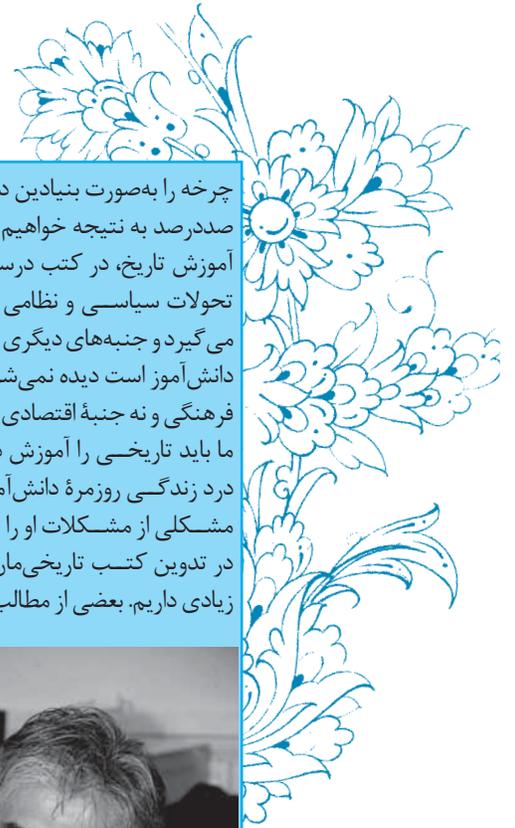
○ **ترابی:** همان‌طور که جناب دکتر قربان‌نژاد فرمودند، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در فرایند یادگیری و یاددهی علاقه دانش‌آموز است. ما باید بینیم چقدر دانش‌آموزانمان به درس تاریخ علاقه‌مند هستند. همان‌طور که ایشان فرمودند، دانش‌آموز فکر می‌کند کتاب تاریخ هیچ تأثیری در زندگی او ندارد. ما باید اول این علاقه را ایجاد کنیم و بعد از آن در راستای این علاقه حرکت کنیم. این علاقه به علل گوناگونی هیچ‌گاه ایجاد نشده و تاریخ در چرخه مدرسه و خانواده هیچ جایگاهی ندارد. ما اگر بتوانیم این

آموزش تاریخ که نشئت گرفته از سبک نگارش کتاب‌های درسی ماست، این است که حوادث تاریخی را از هم جدا می‌کند و هر یک را به شکل انتزاعی، یعنی بدون ارتباط با قبل و بعد، بیان می‌کند. بسیاری از محققان برجسته معتقدند که سیر تاریخ وقایع تاریخی یک جریان دیالکتیکی است؛ به این معنا که یک جریان به هم پیوسته و لاینقطعی در وقایع تاریخی به‌طور سیال ادامه دارد. مثلاً حوادث سیاسی و اجتماعی دوره صفویه به هیچ‌عنوان با دوره تیموری بی‌ارتباط نیست. حوادث دوره افشاریه هم زنجیره‌ای از یک سلسله حوادثی است که از دوره صفویه شروع شده. حال، اگر ما این زنجیره را پی بگیریم و آموزش دهیم، منطق آموزش گم نخواهد شد. متأسفانه در شیوه‌ای که فعلاً وجود دارد عموماً می‌گوییم مثلاً دوره اشکانی تمام شد و حالا به دوره ساسانی می‌رویم. انگار این دو سلسله هیچ ارتباطی با هم ندارند و به صورت مکانیکی دوره به دوره را بررسی می‌کنند. این امر باعث می‌شود که یک گسست ذهنی ایجاد شود و دانش‌آموزان نتوانند ارتباط منطقی بین وقایع تاریخی را درک کنند. یکی دیگر از سؤالاتی که شما در بین دانش‌آموزان زیاد می‌شنوید این است که به معلم می‌گویند شما چطور این همه مطلب

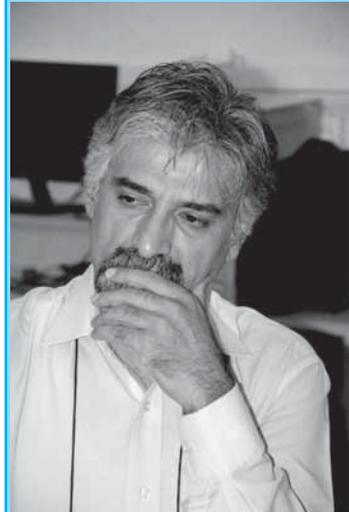
معاصر، هیچ‌گاه در چند جلسه اول وارد بحث تاریخ ایران نمی‌شوم. اول درباره تاریخ دنیا بحث می‌کنم. چرا باید تاریخ معاصر خوانده شود؟ اگر نظام آموزشی دنیا را دقت کرده باشید، اکثر کشورها نیز تاریخ معاصر می‌خوانند. تاریخ معاصر در یک کشور پیشرفته برای این است که به نسل امروزش بگوید چه اتفاقاتی در کشور افتاده و چه چالش‌هایی را طی کرده تا به پیشرفت و ترقی رسیده است. ولی در کشوری مانند ایران تاریخ معاصر از روز اول با این هدف در برنامه دبیرستان گذاشته شده که بگوید چه موانعی در مسیر پیشرفت و ترقی کشور ما پس از دو تحول مهم اروپا وجود داشت که ما نتوانستیم به آن پیشرفت و ترقی برسیم. آنچه من در رابطه با تاریخ معاصر برای بچه‌ها توضیح می‌دهم، همین موضوع است. من حتی قبل از تاریخ معاصر، به‌عنوان مقدمه، ابتدا قرون وسطی و تمدن شرق و اسلام قبل و بعد از قرون وسطی را درس می‌دهم.

برای اینکه کلاس برای خودم جذاب شود، در پایان هر جلسه، سرفصل جلسه بعد را می‌گویم و دانش‌آموز باید حتماً مباحث جلسه بعد را بخواند و به کلاس بیاید. شیوه تدریس من به‌صورت بحث کلاسی است.

○ **رضوی:** بسیار عالی. یکی از مشکلات



چرخه را به صورت بنیادین درست کنیم صددرصد به نتیجه خواهیم رسید. در آموزش تاریخ، در کتب درسی، بیشتر تحولات سیاسی و نظامی مدنظر قرار می‌گیرد و جنبه‌های دیگری که مورد نیاز دانش‌آموز است دیده نمی‌شود. نه جنبه فرهنگی و نه جنبه اقتصادی و اجتماعی. ما باید تاریخی را آموزش دهیم که به درد زندگی روزمره دانش‌آموز بخورد و مشکلی از مشکلات او را حل کند. ما در تدوین کتب تاریخی مان نقص‌های زیادی داریم. بعضی از مطالب کتاب‌های



رضوی خراسانی

درسی خشک و گاه بی‌ارتباط با هم، پراکنده و با حجم زیاد به دانش‌آموز ارائه می‌شود که اگر علاقه یا انگیزه‌ای داشته باشد، موفق شود و نمره‌ای بگیرد، ولی بعد از امتحان قطعاً چیزی از تاریخ در ذهنش نخواهد ماند. من فکر می‌کنم باید متون تاریخی ما متون نقادانه باشند. باید فرایند آموزش فرایندی دو سویه باشد و شیوه‌های کهنه شده در آموزش این درس کنار گذاشته شود.

رضوی: من بیشتر می‌خواهم بر آموزش متمرکز شویم. هر چند که متون آموزشی ما از استانداردهای علمی دور و بسیار گسترده و عریض و طویل‌اند و با آن‌ها کار خلاقانه‌ای نمی‌توان کرد، با این حال، سؤال این است که در آموزش تاریخ،

معلم از چه ابزارهایی می‌تواند سود ببرد که نقایص کتاب را رفع کند یا آن‌ها را تا حدود زیادی کاهش دهد؟ از آقای پورشافعی می‌خواهم تجربه خودشان را در حوزه آموزش تاریخ بیان کنند و بگویند طی آموزش خود در این سال‌ها به چه محورهایی بیشتر توجه داشته‌اند.

پورشافعی: من هیچ‌گاه در سال‌های تدریسم در جلساتی که همکاران داشته‌اند و یا در نامه‌هایی که نوشته می‌شد، درباره حجم زیاد مطالب یا کم بودن ساعات تدریس و... اظهار نظر نکرده‌ام. من هستم، کلاس درس خودم، سی دانش‌آموزی که نشسته‌اند و کتابی که تدوین شده و از اختیار من خارج است که حجمش را زیاد یا کم کنم یا ساعات آموزش را تغییر دهم. من هستم و یک کتاب، و باید در این کتاب در حضور بچه‌ها آن چیزی را که اعتقاد است آموزش دهم. من فکر می‌کنم بزرگ‌ترین سرمایه هر انسانی امید است. امید به اینکه فردا خورشید بر ما خوش‌تر طلوع خواهد کرد، امید به اینکه ما در ماه بعد ماه خوش‌تری خواهیم داشت. امید به اینکه سال آینده بر ما نیکوتر تحویل خواهد شد. ما باید این امید را به شکلی در کلاس درس بیاوریم. من اولین ارمغانی که در کلاس به دانش‌آموزم می‌دهم امید است و این امید بزرگ‌ترین سرمایه آدمی است. حضرت مولانا می‌گوید:

شکر لله که رسن آویختند
فضل و رحمت را به هم آمیختند

در این دنیا بزرگ‌ترین وظیفه، رسالت و تلاش ما باید این باشد که با امیدواری تمام و تلاش تمام به فردایی روشن‌تر بیندیشیم. هدف همه آدمیان در این جهان این است که خودشان را از ریسمان امید بالا بکشند.

نیست دستوری در این ره قرع باب
جز امید، الله اعلم بالصواب

بنابراین من باید در کلاس هر فصل یا هر بخشی را که در تاریخ درس می‌دهم،

همیشه نگاهم به این باشد که دانش‌آموز نهایتاً امیدوارانه‌تر به فردای خودش نگاه کند و این را قطعاً در طی آموزش دریافت خواهد کرد که هیچ چیزی در این جهان پایدار نیست. یکی از معانی «دولت» ناپایداری است.

در قرن هفتم، سعدی نصیحت‌گونه‌ای به امیر انکیانو دارد. گفته سعدی این است:

بس بگردید و بگردد روزگار
دل به دنیا در نبندد هوشیار
ای که دستت می‌رسد کاری بکن
پیش از آن کز تو نباید هیچ کار
نام نیکو گر بماند ز آدمی
به کزو ماند سرای زرنگار
این که در شهنامه‌ها آورده‌اند
رستم و رویینه‌تن اسفندیار
تا بدانند این خداوندان ملک
کز بسی خلق است دنیا یادگار
یعنی ما این موضوع را مدنظر داشته باشیم که بر آنچه می‌گذرد دل ننهیم؛
بر آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی

پس از خلیفه خواهد گذشت در بغداد
من سرورده سیف فرغانی را بسیار
دوست دارم. در آن دوران نومیدی و
سیاهی و بن‌بستی که پیرامون مردم
و بلاد اسلامی قرن هفتم پدید آمده
بود، چه زیبا و امیدوارانه مغولان را می‌زند که:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد
هم رونق زمان شما نیز بگذرد
آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت
این عوعوی سگان شما نیز بگذرد
بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم
این سختی کمان شما نیز بگذرد

این امید را باید به بچه‌ها منتقل کنیم.
رضوی: در واقع شما از یکی از رسالت‌های تاریخ استفاده می‌کنید، این پند که هیچ چیزی در

جهان پایدار و ثابت نیست.
جناب لالوی! شما در حوزه آموزش تاریخ چه مهارت‌هایی را به کار می‌برید؟ تجربیات خودتان را بیان کنید.

○ **لالوی:** در آموزش تاریخ آنچه را که جنبه تجربی دارد و من در کلاس‌های خودم انجام می‌دهم خدمت شما عرض می‌کنم. تاریخ خودبه‌خود درسی انتزاعی است، و ما باید مابازای خارجی برایش تهیه کنیم. وقتی مابازای خارجی نداشته باشد، دانش‌آموز فقط باید مطالب را حفظ کند. یکی از کارهایی که من می‌کنم تا دانش‌آموز به کارم علاقه‌مند شود این است که مباحث را برایش کاربردی می‌کنم، یعنی مطلبی که درس می‌دهم همان‌جا می‌گویم که این مطلب در زندگی شما چه کاربردی دارد. اول هم به دانش‌آموز یادآوری می‌کنم که آن علمی به درد می‌خورد که بتواند گرهی از زندگی انسان را باز کند و اگر نتوانست گرهی باز کند، علم نیست و وارد مقولات دیگری می‌شود. مثلاً وقتی به جنگ‌های ایران و روس می‌رسیم، من می‌گویم که فتحعلی‌شاه باید چه کاری می‌کرد تا در این جنگ‌ها شکست نمی‌خورد. آیا فتحعلی‌شاه ناگزیر بود عهدنامه ترکمانچای را امضا کند؟ آیا می‌توانست امضا نکند؟ و... همچنین مسائل رایج زندگی خودشان را مطرح می‌کنم که وقتی ریشه‌یابی می‌شود به تاریخ بازمی‌گردد. مسائلی مثل دروغ، حسد و... من برای این‌ها ریشه‌های تاریخی تهیه می‌کنم و به دانش‌آموزان ارائه می‌دهم. پس اگر ما بتوانیم تاریخ را به‌نحوی درس بدهیم که دانش‌آموز آن را در زندگی خودش تجربه کند و بداند آنچه را که الان انجام می‌دهد و حتی آنچه جزء صفات شخصیتی اوست، ربطی به تاریخ دارد و در گذشته او شکل گرفته، این باعث می‌شود وی موفق‌تر شود. اگر چه می‌دانیم که به علت مشکلات فراوانی که در درس تاریخ وجود دارد تدریس

مشکل است، ولی همین که ما بتوانیم قدمی برداریم و مشعل علم و انسانیت را یک قدم به جلو ببریم موفق خواهیم بود. پس شاید موفقیت من در تدریس، عینی کردن دروس نظری و تطبیق آن‌ها با تجربیات است؛ حتی با تجربیات زندگی روزمره. گاهی هم مثال‌هایی برای بچه‌ها می‌زنم.

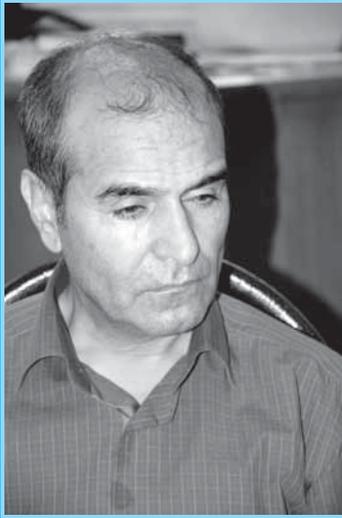
○ **رضوی:** آقای لالوی به نکته بسیار مهمی اشاره کردند که بیانگر این مطلب است که دانش‌آموز و جامعه مسائل و مشکلاتی دارند. هر علمی باری را به دوش می‌کشد. یکی از مسئولیت‌های علوم، در هر شاخه این است که مسائل را حل کند. دانش‌آموز وقتی می‌بیند با خواندن تاریخ می‌تواند بسیاری از پرسش‌های روز خودش را پاسخ دهد، انگیزه بهتری برای یادگیری تاریخ خواهد داشت و تلاش بیشتری می‌کند.

○ **آقای دکتر قربان‌نژاد! شما به‌طور کلی چه مهارت‌هایی را در حوزه آموزش تاریخ برای معلم ضروری می‌دانید؟**

○ **قربان‌نژاد:** من وقتی سر کلاس می‌روم اولین چیزی که به بچه‌ها می‌گویم تعریف خود تاریخ است. «تاریخ» تأمل در گذشته است، روشنگر حال است و چراغ راه آینده است. به بچه‌ها می‌گویم حکومتی می‌تواند حکومت‌گر خوبی باشد که تاریخ کشور خودش را خوب بخواند. چند مثال هم برایشان می‌زنم. **ناپلئون** وقتی به قدرت رسید خواندن دو درس را در مدارس فرانسه ممنوع کرد، یکی خواندن فلسفه و یکی تاریخ؛ چون فلسفه و تاریخ موجب فکر کردن می‌شود، ولی همین **ناپلئون**، وقتی به روسیه حمله کرد و شکست خورد، گفت که کاش خودم یک بار تاریخ را می‌خواندم. در مورد **هیتلر** هم همین‌طور است. این موضوع را درباره ناصرالدین‌شاه هم داریم. به اعتقاد من آنچه اهمیت دارد این است که ما باید چنین نمونه‌هایی را در تاریخ پیدا کنیم تا برای دانش‌آموز جذابیت داشته باشد.

نویسنده‌ای می‌گوید: «تاریخ یک نوع جامعه‌شناسی است، فقط در گذشته اتفاق افتاده است.» یکی از مهارت‌هایی که معلم باید داشته باشد قدرت بیان است، مهارت دیگر قدرت تحلیل و ایجاد این قدرت در دانش‌آموز است. نکته دیگر، استفاده از فیلم‌های سینمایی یا مستند است که می‌تواند سبب ایجاد علاقه در دانش‌آموز شود و فضا را برای معلم هم جذاب‌تر کند.

○ **ترابی:** یکی از مهارت‌هایی که هر معلم تاریخ باید داشته باشد، فن بیان



پورشافعی

پورشافعی: در این دنیا بزرگ‌ترین وظیفه، رسالت و تلاش ما باید این باشد که با امیدواری تمام و تلاش تمام به فردایی روشن‌تر بیندیشیم هدف همه آدمیان در این جهان این است که خودشان را از ریسمان امید بالا بکشند

است که می‌تواند در کلاس مؤثر باشد و ایجاد علاقه کند. اما فاکتورهای دیگری هم در تدریس مؤثر است. معمولاً معلمان تاریخ شیوه سنتی را برای تدریس انتخاب می‌کنند. در حال حاضر شیوه‌های سنتی، با توجه به پیشرفت تکنولوژی، دیگر کاربردی ندارد و معلمان باید به شیوه‌های نوین روی آورند. در شیوه‌های نوین معلم می‌تواند از تمام

حواس دانش آموز بهره ببرد و این فرصت را دارد که بهتر فرایند یاددهی-یادگیری را در دانش آموزان به وجود آورد. تجربه‌ای که من در این زمینه دارم، طراحی یک نرم افزار آموزشی است. **من نرم افزاری را طراحی کردم و برای هر درس فاکتورهایی در نظر گرفته‌ام. گنجانیدن مجموعه عکس‌ها و فیلم‌های مربوط به هر درس، ارائه محتوای آموزشی به سبکی گیرا و جذاب، طرح توضیحات بیشتر**



درباره شخصیت‌ها و وقایع، طراحی آزمون‌ساز و... از ویژگی‌های این نرم افزار است. در مجموع، فرایند یادگیری وقتی کامل می شود که معلم بتواند شناخت درستی از درس تاریخ در ذهن دانش آموز ایجاد کند. این شناخت محقق نمی شود مگر اینکه ما نگاهی از بالا داشته باشیم و محتوای آموزشی را با دید کاربردی تری به دانش آموز ارائه کنیم. فکر می کنم اگر این روش به کار برده شود، قطعاً موفق خواهد بود. معلمی موفق است که بتواند خلاقیت و ابتکار را در دانش آموز بارور کند و به ظهور برساند.

رضوی: شاید همه ما معلمانی را به خاطر داشته باشیم که در ما تأثیر گذار بوده‌اند و برعکس معلمانی که فاقد این توانایی بوده‌اند و حتی سبب

کسالت آور شدن کلاس نیز می شده‌اند. امروز دانشمندی به نام «هوارد گاردنر» جنبه‌هایی از هوش را نام می برد که برای معلم تاریخ ضروری است، چون معلم تاریخ، گذشته‌ای را که چندان ملموس نیست به زمان حال می آورد. یکی از این مهارت‌ها، هوش کلامی- زبانی است، یعنی معلم باید توانایی استفاده از زبان را به طور مؤثر داشته باشد. بخش عمده‌ای از کار ما معلمان تاریخ سخنرانی است و اگر توانایی استفاده از این جنبه از هوش را نداشته باشیم نمی توانیم موفق باشیم. آن قدر مهم است که گاردنر آن را هوش می داند. جنبه دیگر، هوش ریاضی و منطقی است، یعنی توانایی استدلال معلم. یکی از بخش‌های مهم کار ما توانایی استدلال است. وقتی معلم سوالاتی را در حوزه تاریخ مطرح می کند و در پی پاسخ به آن برمی آید، یا در جهت برطرف کردن دیدگاه‌های غلط دانش آموز برمی آید، باید قدرت استدلال داشته باشد و اگر فاقد این توانایی باشد موفق نخواهد بود. جنبه دیگر هوش، هوش فضایی- مکانی است، یعنی توانایی تشخیص جزئیات و تجسم گوشه‌های تاریک و برجسته کردن آن‌ها. هوش اجتماعی جنبه مهم دیگری است که به توانایی تشخیص جنبه‌های رفتاری دیگران اطلاق می شود. همان طور که آقای قربان نژاد گفتند، تاریخ همان جامعه‌شناسی است، اما با نگاه به گذشته. جامعه‌شناسی با کنش‌ها و واکنش‌های بسیار زیادی ارتباط دارد. کنش انسانی همان عمل انسان است که با آگاهی، اراده و معنا صورت می گیرد. این کنش‌های انسانی با واکنش‌هایی مواجه است. شناخت جنبه‌های این کنش و واکنش‌ها، مستلزم داشتن هوش اجتماعی است. هوش درونی جنبه دیگری از هوش است که عبارت از آگاه شدن از احساس‌ها، انگیزه‌ها و امیال خود. این مهارت‌ها ضروری است. من از شما می خواهم روی این مهارت‌ها متمرکز شوید و به این مسئله اشاره کنید

که یک معلم با توجه به این مهارت‌ها چقدر می تواند موفق باشد و درس تاریخ را تبدیل به درسی بکند که هم جنبه کاربردی داشته باشد و هم برای زندگی روزمره با اهمیت تلقی شود. معلم باید بتواند دانش آموز را برانگیزد و در جاهایی اجازه پرواز به او بدهد و سپس با سلامت او را به زمین بنشانند. حالا از آقای پورشافعی می خواهم که شروع کنند.

پورشافعی: من قبلاً عرض کردم که باید بارقه امید را همیشه در دل بچه‌ها روشن نگه داریم. همه شما این جمله **ویل دورانت** را شنیده‌اید که: «تاریخ را اگر فقط محدود به جزر و مدهای سیاسی بدانیم، چندان حق تاریخ را ادا نکرده‌ایم. تاریخ مثل یک رودخانه است که حوادث سیاسی در بستر آن جاری می شود و در کرانه آن هم مردان و زنان بی شماری هستند که فلسفه، هنر و ادبیات را آفریده‌اند.» بنابراین به نظر من خطاست اگر ما فقط جزر و مدهای سیاسی و آمد و شدن‌های سلسله‌ها و دولت‌ها را به بچه‌ها آموزش بدهیم.

رضوی: آقای پورشافعی! من در خود شما مهارتی را کشف کرده‌ام. شما مسلط به ادبیات هستید. اگر تاریخ را یک هنر میان‌رشته‌ای بدانیم، خیلی مهم است که معلمی به ادبیات مسلط باشد، معلمی به جامعه‌شناسی، گاه‌شماری و... مسلط باشد. من دلم می خواهد روی این مهارت‌ها متمرکز شوید.

پورشافعی: مقدمه صحبت من هم همین بود که ما بچه‌ها را از این بیستر رودخانه به ساحل رود ببریم و یکی از چیزهایی که خیلی به کار معلم تاریخ می آید استفاده از هنرهایی است که در دو کرانه رود خلق شده‌اند، از جمله ادبیات. به نظر من اطلاع اجمالی از ادبیات ضروری است، چرا که ادبیات و تاریخ خیلی به هم پیوسته‌اند. ادبیات کار ما را تسهیل می کند. ناصر خسرو می گوید:

قربان نژاد: متأسفانه اولین مسئله‌ای که در بحث آموزش تاریخ مطرح است، این است که دانش‌آموزان ما هنوز نمی‌دانند چرا باید تاریخ بخوانند، چرا در دبیرستان باید تاریخ معاصر بخوانند و دوره‌های دیگر را نخوانند؟! مگر اهمیت دوره معاصر چیست؟ اگر به این گونه سؤال‌ها از ابتدا پاسخ مناسبی داده شود، جایگاه مطالعه تاریخ مشخص خواهد شد



قربان نژاد

ضربه را به آموزش تاریخ می‌زند.
 ○ **ترابی:** همان‌طور که جناب دکتر قربان نژاد فرمودند، یکی از آسیب‌های بزرگی که معمولاً در درس تاریخ با آن روبه‌رو هستیم، نقص دانش معلم و اهدافی است که در کتب آموزشی تاریخ مطرح شده است. معلمی که نداند با چه هدفی سروکار دارد نمی‌تواند دانش‌آموز خوبی را تربیت کند. معلم با انبوهی از اطلاعات مواجه است. اگر سعی شود محتوایی که در اختیار معلم قرار داده می‌شود با هدف مشخصی باشد، معلم تاریخ می‌تواند در جامعه موفق باشد و با هدف خاصی به دنبال معیارهایی که در جامعه برایش تعریف شده حرکت کند. ما تا به حال در کتب درسی آموزش و پرورش شاهد چنین چیزی نبوده‌ایم و با انبوهی از مطالب پراکنده

به همان اطلاعات گذشته خود تکیه کند، ناچار از دانش‌آموز عقب می‌افتد و گفته‌اش اهمیتی برای دانش‌آموز نخواهد داشت.

مهم‌تر از همه این‌ها شخصیت معلم است. به نظر من وقتی یک معلم تاریخ وارد یک دبیرستان می‌شود، باید احساس شود که «تاریخ» وارد دبیرستان شده است. معلم تاریخ باید در دبیرستان مرجع علمی باشد. در کلاس باید از یک مجموعه یا بسته مواد آموزشی استفاده کند و در ذهنش یکی از روش‌های تدریس را داشته باشد. موضوع مهم دیگر دادن پروژه به دانش‌آموز است.

○ **رضوی:** نکات ارزشمندی را مطرح کردید. من از سخن شما در مورد شخصیت معلم استفاده می‌کنم. این موضوع یک بحث علمی تحت‌عنوان «سرمایه اجتماعی» است. براساس این نظریه اگر در گروه یا شخصیتی سرمایه‌های اجتماعی وجود داشته باشد، تأثیر زیادی در مخاطب خواهد داشت.

○ **آقای قربان نژاد!** یکی از توانایی‌های معلم تاریخ این است که در حوزه معرفت تاریخی، فرد آگاهی باشد و در این حوزه زحمت کشیده باشد. متأسفانه در برخی از مدارس ایران دیده شده افرادی که دانش آموخته تاریخ نیستند و معرفت تاریخی ندارند، بدون این توانایی وارد کلاس تاریخ می‌شوند. به اعتقاد شما این امر تا چه میزان به آموزش تاریخ لطمه می‌زند؟

○ **قربان نژاد:** در حال حاضر نه تنها در آموزش و پرورش، بلکه در دانشگاه‌ها هم این معضل وجود دارد. آنچه تحت عنوان اندیشه تاریخی در معلم تاریخ شکل می‌گیرد فقط در دوره لیسانس وجود دارد و در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا فقط به امر پژوهش بها داده می‌شود. معلمی که فاقد بینش تاریخی است و تاریخ درس می‌دهد، بزرگ‌ترین

به حکمت چون عمارت شد دلت نیکوسخن گشتی که جز ویران سخن ناید برون از خاطر ویران تا دل با حکمت و پند و امثله عمارت نشود سخن شما نیکو نمی‌شود. از خاطر ویران شده جز کلام ویران صادر نمی‌شود. بنابراین در درجه اول معلم تاریخ باید انبانی از تجربه‌ها، آموخته‌ها و دانش‌هایی باشد که درس تاریخ را با همه تلخی برای بچه‌ها روان می‌کند.

○ **رضوی:** بسیار عالی. جناب لالوی! شما بفرمایید.

○ **لالوی:** در تأیید گفته آقای پورشافعی باید بگویم یکی از علل موفقیت بالای ایشان در کلاس‌های درس، استفاده زیاد و بجا از ادبیات در تدریس تاریخ است. به همین دلیل است که آقای پورشافعی یکی از موفق‌ترین دبیران تاریخ مشهد هستند. من فکر می‌کنم معلم تاریخ باید مجموعه‌ای از مهارت‌ها را داشته باشد. این مجموعه شامل ادبیات، تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی و حتی ریاضی می‌شود. حالا چرا این وضع پیش آمده؟ بیشتر به دلیل انفجار اطلاعات است. الان معلم نمی‌تواند با روش سخنرانی دانش‌آموز را اقناع کند و به قول شما آن‌ها را به پرواز درآورد و بعد هم بنشانندشان. این امر امکان‌پذیر نیست، چون انفجار اطلاعات باعث شده این اطلاعات گسترده و عمومی شود، یعنی دانش‌آموز در برخی موارد از معلم جلو می‌افتد. برای اینکه این مسئله جبران شود، معلم برای انواع روش‌های تدریس، باید دانش خود را افزایش دهد. و از دانش‌آموز جلوتر و به‌روز باشد. به این ترتیب در کلاس فقط سخنرانی نمی‌کند، بلکه از رایانه هم استفاده می‌کند، استفاده از اینترنت را یاد می‌گیرد، می‌داند که چگونه از دانش‌آموز کار بخواهد و به دانش‌آموز پروژه بدهد. معلم باید از لاک معلم‌محوری خارج شود و دانش‌آموز محور شود، چون اگر بخواهد

روبه‌رو هستیم که باعث سرخوردگی دانش‌آموز و معلم می‌شوند.

○ **لالوی:** من همیشه مثالی را برای دانش‌آموزان و همکارانم می‌زنم. وقتی شما قلبتان درد می‌گیرد به متخصص چشم مراجعه نمی‌کنید، یا وقتی چشمتان درد می‌گیرد به متخصص ارتوپد مراجعه نمی‌کنید! در مورد دانش‌آموز هم همین‌طور است. فقط بحث این است که در آنجا بیماری ملموس است و بیمار حاضر است هزینه کند تا بهبود یابد، ولی دانش‌آموزی که دبیر غیرمتخصص دارد، مرگش ده سال بعد رقم می‌خورد، یعنی زمانی است که دیگر قابل‌سنجش هم نیست.

○ **رضوی:** آقای پورشافعی! شما چه مهارت‌های دیگری را در کنار این مهارت‌هایی که نام بردید ضروری می‌دانید؟

○ **پورشافعی:** بزرگی می‌گفت دو چیز آدم را آرام‌تر می‌کند، یکی زیست تاریخی و یکی زیست جغرافیایی. زیست جغرافیایی یعنی «سیروا فی‌الارض»، یعنی آدم بگردد و افراد، قبایل و طوایف مختلف را ببیند. زیست تاریخی یعنی سیر در تاریخ و گذشته جوامع. معلمان تاریخ پیرترین معلمان هستند، چون بر دوش نسل‌های گذشته نشسته‌اند. آقای لالوی نکته جالبی گفتند. معلم تاریخ وقتی وارد مدرسه می‌شود، هیبت و هیمنه شخصیت او به گونه‌ای باید باشد که همه سر برگردانند و او را ببینند. وقتی تاریخ در جان معلم نشست و زیست تاریخی معلم را آدم‌تر کرد، دانش‌آموز هم این آرامش وطمأنینه را فرامی‌گیرد. نکته دیگر اینکه دانش‌آموز را نباید بیش از حد وارد جزئیات کنیم. نگاه‌داشتن دانش‌آموز در بن‌بست‌ها و سرگردان کردن او شرط جوانمردی نیست. اگر کلتی از دوره قاجار بفهمد کافی است. حافظ می‌گوید: «این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید.» وارد جزئیات این کاروان شدن چندان درست نیست.

○ **ترابی:** یک معلم باید بداند هدف اصلی درس چیست و دانش‌آموز را به آن هدف نزدیک کند و دانش‌آموز جزئیات را خودبه‌خود فرامی‌گیرد.

○ **رضوی:** به اعتقاد شما همکاران، آیا آموزش تاریخ یک جریان یک‌سویه است یا اینکه می‌تواند دوسویه باشد و هم از سوی دانش‌آموز و هم از سوی معلم اتفاق بیفتد؟

○ **لالوی:** قاعدتاً یک سویه نمی‌تواند باشد. همان‌طور که گفتیم، با توجه به انفجار اطلاعات، آموزش تاریخ یک تعامل است، تعامل بین دانش‌آموز و معلم، اجتماع و معلم، دانش‌آموز و اجتماع. ما باید از همه این‌ها چیزی یاد بگیریم و به همه چیزی یاد بدهیم. همه دانش در اختیار معلم نیست. چه‌بسا دانش‌آموزانی که دارای بینش و دانش وسیع تاریخی هستند. من ابتدای سال تحصیلی از دانش‌آموزانم می‌خواهم که بی‌رحمانه بحث را به چالش بکشند و از من سؤال کنند. این امر باعث می‌شود که دانش‌آموز هم در بعضی از موارد از من جلوتر باشد. پس این یک دانش تعاملی و دوسویه است. مخصوصاً اگر معلم از شیوه‌های متعدد استفاده کند که در این مورد فعالیت‌های مکمل و تاریخ شفاهی آموزش چند سویه و تعامل بین دانش‌آموز، معلم و جامعه را تقویت می‌کند.

○ **قربان‌نژاد:** هنگام تدریس از دانش‌آموز بخواهیم مبحث جلسه بعد را مطالعه کند تا جریان یادگیری دوطرفه باشد.

○ **ترابی:** همان‌طور که دوستان فرمودند، جریان آموزش اگر یک‌سویه باشد، ملال‌آور و خسته‌کننده خواهد بود و معلم تاریخ باید هنر زیادی داشته باشد تا بتواند جریان دوسویه برقرار کند. ابزارهایی برای معلم تاریخ وجود دارد: استفاده از دانش جغرافیا، استفاده از فیلم، استفاده از نقشه و نمودار و... می‌تواند این جریان دوسویه را تقویت

کند. معلم باید در جریان یاددهی-یادگیری، دانش‌آموز را با مطالب درگیر کند و صرفاً یک انتقال‌دهنده نباشد و در این صورت است که می‌تواند رسالت خود را انجام دهد. اگر بنا باشد ما در کلاس سخنرانی داشته باشیم، دانش‌آموز نهایتاً ده دقیقه حرف‌هایمان را می‌پذیرد، ولی اگر این جریان دوسویه باشد، این امر موفقیت‌آمیز خواهد بود. در روش‌های نوین تدریس، نرم‌افزارهایی تعریف شده که می‌توان آموزش را به جریانی دوسویه تبدیل کرد.

○ **رضوی:** روشی وجود دارد به نام (P.L.B) این روش توسط محققى در استرالیا مطرح شده و به معنی یادگیری مسائل اساسی (Problem Learning Basic) است. در این روش امر یادگیری یک جریان دوسویه است. سؤال من این است که در این مسیر چه ابزارهایی وجود دارد؟

○ **قربان‌نژاد:** وسایل آموزشی مثل نقشه و نمایش فیلم‌های مرتبط مفید است.

○ **رضوی:** فکر می‌کنید مثلاً یک سند چند خطه که از امیرکبیر باقی‌مانده، چقدر برای دانش‌آموز سؤال ایجاد می‌کند و می‌تواند مؤثر باشد؟

○ **پورشافعی:** این همان اعتباری است که به حرف ما داده می‌شود. گاهی ما چندین صفحه می‌نویسیم، اما یک طنز خیلی ساده همان حرف را به راحتی منتقل می‌کند. در بررسی سندها اعتبار به راوی و اعتبار به سند مطرح می‌شود، یعنی یک سند می‌تواند پشتوانه و اعتبار همه حرف‌هایی باشد که معلم می‌زند.

○ **ترابی:** من فکر می‌کنم استفاده از ابزارها برای معلم تاریخ یک ضرورت است و این شیوه‌ها می‌تواند به معلم تاریخ کمک کند که دانش‌آموز به سمت محفوظات پیش نرود، بلکه به سمت شناخت برود و کار معلم را قدری

لالوی: یکی از کارهایی که من می‌کنم تا دانش آموز به کارم علاقه‌مند شود این است که مباحث را برایش کاربردی می‌کنم، یعنی مطلبی که درس می‌دهم همان‌جا می‌گویم که این مطلب در زندگی شما چه کاربردی دارد



کفس

سرفصل‌هایی که قبلاً در رشته کارشناسی تاریخ بوده، همان‌هایی بود که ما گذرانده‌ایم، ولی در حال حاضر سرفصل‌های جدیدی تعریف شده که من هم جزء تعیین‌کنندگان این سرفصل‌ها بودم. کار بسیار پرزحمتی انجام شد، اما بسیاری از نواقصی که وجود دارد دیده شده و امیدوارم که این طرح از سوی وزارت علوم تأیید شود. اگر این اتفاق بیفتد، دیگر معلم تاریخ بدون مهارت و صرف داشتن محفوظات در کلاس حاضر نمی‌شود. امیدوارم این نواقص به مرور رفع شود.

بنده امروز با تجربیات با ارزشی آشنا شدم که در این خطه فرهنگ‌پرور رقم خورده است. امیدوارم این تجربه‌ها برای سایر معلمان کشور مفید باشد. از شما و دوستان بسیار تشکر می‌کنم که در این جلسه حضور داشتید.

○ **لالوی:** من هم از طرف گروه‌های آموزشی تاریخ استان از شما تشکر می‌کنم.

شد
گفت می‌باش چنین زیر و زبر هیچ مگو گفتم ای دل پدري کن نه که این وصف خداست؟
گفت این هست ولی جان پدر هیچ مگو ○ **ترابی:** من فکر می‌کنم چالش بزرگی که آموزش و پرورش با آن مواجه است، این است که تعداد زیادی از همکاران ما انگیزه کافی برای کلاس ندارند و این موضوع ضربه بزرگی بر پیکره آموزش تاریخ وارد کرده است. دلایل مختلفی هم وجود دارد که این آسیب در جامعه به‌وجود آمده و معلم تاریخ به حاشیه رفته است، ولی این تشنگی بعد از پایان دوره دبیرستان در دانش آموز ایجاد می‌شود و متوجه می‌شود که چیزی در وجودش کم است و هویتش کامل نیست. ما باید همان‌طور که هزینه‌های فراوانی را صرف ساختن یک فیلم می‌کنیم، برای هویت جامعه هم سرمایه‌گذاری کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، معلم تاریخ در کلاس نقش پررنگ‌تری خواهد داشت و نسبت به کار خودش دلگرم‌تر خواهد شد. در کشورهای پیشرفته معمولاً ابزار و امکاناتی وجود دارد که معلمان را به‌روز می‌کند. جای این امکانات در کشور ما خالی است. ما مرکزی نداریم که اطلاعات معلم تاریخ را به‌روز و آموزش تاریخ را تقویت کند. من فکر می‌کنم این موضوع ایراد بزرگی است. باید مکان‌هایی باشد که معلم را به‌روز کند، هم در استفاده از ICT و فواید و معایب آن و هم در معرفی نرم‌افزارهای تاریخ و... به این ترتیب رسالتی که بر عهده معلم تاریخ است، یعنی انتقال تجربه‌ها و یافته‌هایش به نسل آینده برای شناخت بهتر و ایجاد هویت در جامعه، انجام می‌گیرد. این فرایند باید در جامعه ما از بالا نگاه شود و نگاه‌ها از بالا تغییر کند تا معلمان تاریخ کارشان را راحت‌تر دنبال کنند.

○ **رضوی:** امروزه دبیر تاریخ از کانال دانشگاه فرهنگیان جذب می‌شود.

راحت‌تر کند.
○ **رضوی:** آقای قربان‌نژاد! من می‌خواهم در پایان یک جمع‌بندی داشته باشید از ماحصل کلام. آنچه را که در حوزه آموزش تاریخ به ذهن‌تان می‌رسد بفرمایید.

○ **قربان‌نژاد:** داشتن اطلاعات تاریخی ضرورتی است که جامعه هم آن را احساس کرده است. اگر ما واقعاً تاریخ را جزء ملاک‌های اصلی مطالعه قرار دهیم موفق خواهیم بود.

○ **لالوی:** قدرت ابتکار معلم در تدریس بسیار مؤثر است. به‌نظر من معلم تاریخ باید به دنبال راه‌ها و روش‌های جدید باشد. مثلاً من همیشه از دانش‌آموزان سید می‌خواهم که یک کپی از شجره‌نامه خود بیاورند. این شجره‌نامه، اطلاعات بسیاری به دانش‌آموز می‌دهد و برایش بسیار جذاب و جالب است. دیگر اینکه وقتی من درس را تمام می‌کنم، حتماً یک سؤال طرح می‌کنم که دانش‌آموزان در طول هفته به آن فکر کنند. من پیشنهاد می‌کنم این تجربیات تدریس همکاران جمع‌آوری شود و در اختیار سایر معلمان قرار بگیرد.

○ **پورشافعی:** من به جای همه آنچه که می‌خواستم بگویم غزلی می‌خوانم: من غلام قمرم، غیر قمر هیچ مگو پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو

سخن رنج مگو، جز سخن گنج مگو
ور ازین بی‌خبری، رنج میر، هیچ مگو
دوش دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت
آمدم، نعره زن، جامه مدر، هیچ مگو!
من به گوش تو سخن‌های نهان خواهم
گفت

سر بجناب که بلی، جز که به سر هیچ مگو
گفتم این روی فرشته‌ست عجب یا بشرست

گفت این غیر فرشته‌ست و بشر، هیچ مگو
گفتم این چیست؟ بگو زیر و زبر خواهم